رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۷، شماره پیاپی ۸۸، مهر ۱۴۰۲
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(7), 2023

اثربخشی آموزش مدیریت والدین (PMT) بر کاهش اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه فرزندان طلاق شهرستان داراب

The effectiveness of Parental Management Training (PMT) on Reducing Child Anxiety and Domestic Violence Against in Childrens of Divorce between the ages of 5 and 10 in Darab City

فرشته دیوارگر (نویسنده مسئول)
دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرند، کرمان، ایران.
دکتر حسن محمد طهرانی
استادیار روان شناسی، گروه روان شناسی، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرند، کرمان، ایران.

Fereshteh Divargar*
Master's student in Clinical Psychology. Department Of Psychology, Faculty Of Education And Psychology, Islamic Azad University Of Zarand, Kerman, Iran.
Fereshteh.divargar@gmail.com
Dr. Hasan Mohamad Tehrani
Assistant Professor, Department Of Psychology, Faculty Of Education And Psychology, Islamic Azad University Of Zarand, Kerman, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تعیین اثربخشی آموزش مدیریت والدین (PMT) بر کاهش اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه فرزندان طلاق ، شهرستان داراب در سال ۱۴۰۱ انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران مطلقه دارای فرزندان ۵ تا ۱۰ ساله بود که به مرکز مهر خانواده دادگستری شهرستان داراب در سال ۱۴۰۱ مراجعه کرده بودند و به‌صورت هدفمند ۲۵ نفر از این مادران در گروه آزمایش و ۲۵ نفر نیز در گروه گواه قرار گرفت. ابزارهای پژوهش مقیاس خشونت خانگی علیه کودکان ادلسون و همکاران (۲۰۰۸، CEDV) و مقیاس اضطراب کودک اسپنس (۱۹۹۹) برای والدین (SCAS) بود. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون بین میانگین نمرات اضطراب کودک و خشونت خانگی و در پس‌آزمون گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معناداری در سطح (P≤۰/۰۰۱) وجود داشت. به عبارتی می‌توان گفت آموزش مدیریت والدین در کاهش اضطراب و خشونت خانگی علیه کودکان مؤثر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: *آموزش مدیریت والدین، اضطراب، خشونت خانگی، طلاق.*

Abstract

The present study was conducted with the aim of determining the effectiveness of parent management training (PMT) in reducing child anxiety and domestic violence against children of divorce in Darab City in 2022. The research method was a semi-experimental with pre-test-post-test design and a control group. The statistical population included all divorced mothers with 5 to 10-year-old children in 2022 who had been referred to the Mehr Family Court Center in Darab City, and 25 of these mothers were placed in the experimental group and 25 in the control group. The tools used in this research were the scale of domestic violence against children by Adelson et al. (2008) (CEDV)and the child anxiety scale of Spence (1999) for parents (SCAS). The research results showed that by controlling the effect of the pre-test, there is a significant difference in the level (P≥0.001) between the average scores of child anxiety and domestic violence and in the post-test of the experimental group and the control group. In other words, it can be said that parent management training is effective in reducing anxiety and domestic violence against children.

Keywords: *anxiety, divorce, domestic violence, parent management training.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مهر ۱۴۰۱** **پذیرش: تیر ۱۴۰۲** **ویرایش نهایی: مهر ۱۴۰۲**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

مقدمه

طلاق والدین یک رویداد مهم زندگی برای والدین و فرزندان آنها می‌باشد و ممکن است منجر به استرس و اضطراب آسیب‌زا شود. برای مثال در آلمان تقریباً ۱۲۵۰۰۰ کودک طلاق والدین خود را در سال ۲۰۱۷ تجربه کردند (استاتیستیکا[1]، ۲۰۱۸). طلاق والدین، به‌عنوان مجموعه‌ای از درگیری‌ها و چالش‌های بین خانوادگی مختلف قبل و بعد از طلاق، با افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های روانی کودک از جمله افسردگی و اضطراب (ساندز[2] و همکاران، ۲۰۱۷)، مصرف الکل و مواد مخدر (تبکا[3] و همکاران، ۲۰۱۶)، مشکلات اجتماعی (تبکا و همکاران، ۲۰۱۶) یا رفتار پرخاشگرانه (تبکا و همکاران، ۲۰۱۶) مرتبط است (نقل از شیمکووسکی و لدبتر[4]، ۲۰۱۸). درنتیجه، مقابله با طلاق والدین برای بسیاری از کودکان به یک چالش رشدی تبدیل‌شده است.

تعریف خشونت و آزار خانگی به این صورت است: هر حادثه یا الگوی رویدادهای رفتار کنترل‌کننده، اجباری، تهدیدآمیز، خشونت یا آزار بین افراد ۱۶ ساله یا بالاتر که شرکای صمیمی یا اعضای خانواده هستند یا بوده‌اند؛ بدون توجه به جنسیت یا جنسیت سوءاستفاده می‌تواند شامل موارد زیر باشد، اما محدود به این موارد نیست: روانی، جسمی، جنسی، مالی، عاطفی (هوم آفیس[5]، ۲۰۱۸؛ نقل از لیوید[6]، ۲۰۱۸). اگرچه این تعریف برای افراد بالای ۱۶ سال صدق می‌کند، اما کودکان نیز اثرات مضر خشونت خانگی را تجربه می‌کنند. کودکان علاوه بر اینکه تحت تأثیر آزار فیزیکی قرار می‌گیرند، می‌توانند تحت تأثیر آزارهای خانگی غیر فیزیکی بر اساس کنترل اجباری، مانند انزوا، نظارت مستمر، آزار مالی و آزار کلامی و روانی قرار گیرند (کاتز[7]، ۲۰۱۶). خطر آسیب ممکن است در هنگام جدایی به دلیل عواملی مانند افزایش استرس بر والدین، تشدید خشونت خانگی و نبود والدین محافظ برای مدیریت خطرات ناشی از والدین بد سرپرست تشدید شود. درک خطر در این زمینه به معنای درک خطرات خاص مرتبط با جدایی مانند تشدید خشونت خانگی و همچنین خطرات از قبل موجود مرتبط با بدرفتاری با کودکان مانند مهارت‌های ناکافی والدین و آسیب‌پذیری کودکان به دلیل سن آن‌ها است. جدایی به‌خودی‌خود ممکن است یک عامل خطر یا یک عامل محافظتی بسته به فرآیند و نتیجه جدایی باشد. علاوه بر این، در نیمی از موارد خشونت پس از جدایی، طبق اظهارات قربانی خشونت، کودکان شاهد حداقل یک مورد خشونت بوده‌اند. این احتمالاً دست‌کم گرفته‌شده است زیرا کودکان گزارش می‌دهند که بیشتر ازآنچه والدین تخمین می‌زنند در معرض خشونت قرار می‌گیرند. کالاگان[8] و همکاران (۲۰۱۸) بر این باور هستند که کودکان به عنوان قربانیان مستقیم خشونت و سوء استفاده شناخته شوند که به نوبه خود می‌تواند پاسخ‌های حرفه‌ای به نیازهای آنها را بهبود بخشد. همان طور که تحقیقات نشان داده است که وقتی قربانیان بزرگ‌سال خشونت خانگی در معرض خطر هستند، کودکان نیز در معرض خطر هستند و خشونت خانگی و حمایت از کودکان یک حوزه پیچیده و چندوجهی است. معمولاً خشونت خانگی و همانطور که در این مورد مشخص شد، خشونت خانگی با مشکلات دیگر همراهان است: «تجارب کودکان و واکنش‌های آنها به قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی را نمی‌توان جدا از سایر ناملایمات و نابرابری‌ها مشاهده کرد» (اترینگتون و بیکر[9]، ۲۰۱۸).

کودکانی که خود را در این میان می‌بینند، بیشتر در معرض افسردگی و اضطراب هستند. جکیلک[10] (۱۹۹۸) از داده‌های یک مطالعه طولی استفاده کرد که نتیجه‌گیری کرد که تعارض والدین تأثیر منفی مداوم و قابل‌توجهی بر اضطراب و افسردگی کودک چهار سال بعد دارد که نشان می‌دهد تعارض والدین تأثیرات پایداری بر بهزیستی کودک دارد. علاوه بر این، مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که کودکان هنگام طلاق والدین، اضطراب و افسردگی کمتری را تجربه می‌کنند. قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض تعارض زیاد می‌تواند تأثیر نامطلوبی داشته باشد، به‌خصوص که کودکان ممکن است مشاهده کنند که والدین درگیر این رفتار هستند و روابط خود را تکرار می‌کنند (گاگر[11] و همکاران، ۲۰۱۶؛ نقل از لیوید، ۲۰۱۸).

1 . Statistika
2 . Sands
3 . Tebeka
4 . Shimkowski & Ledbetter
5 . Home Office
6 . Lloyd
7 . Katz
8 . Callaghan
9 . Etherington and Baker
10 . Jekielek
11 . Gager

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

اثرات خشونت خانگی را می‌توان در اوایل کودکی احساس کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که رشد روانی اجتماعی در میان کودکان در معرض خشونت خانگی که علاوه بر آن آزار فیزیکی را نیز تجربه می‌کنند، مشکل‌سازتر است (هارپر[1] و همکاران، ۲۰۱۸). آموزش مدیریت والدین را می‌توان به‌عنوان رویکردی برای درمان مشکلات رفتاری کودک با استفاده از "روش‌هایی که در آن والدین آموزش می‌بینند تا رفتار کودک خود را در خانه تغییر دهند" تعریف کرد (کزدین[2]، ۲۰۱۷). این روش یک مداخله دوتایی مبتنی بر رفتار است که برای رسیدگی به رفتارهای بیرونی و مشکلات رابطه در میان کودکان خردسال طراحی شده است. بر این فرض استوار است که می‌توان به والدین تکنیک‌هایی را برای تعامل با فرزند خود آموزش داد که ساختار و قابلیت پیش‌بینی را فراهم می‌کند و ارتباط و عزت نفس کودک را بهبود می‌بخشد. آموزش مدیریت والدین (PMT[3]) موفقیت خود را در پرداختن به انواع رفتارهای مشکل‌ساز کودک، در طیف وسیعی از تشخیص‌های بالینی که با تقویت تصادفی در محیط کودک حفظ می‌شود، نشان داده است. آموزش مدیریت والدین به مراقبان اهمیت مداخلات پیشین (مانند تنظیم رویدادها، نحوه ارائه اخطارهای مؤثر) و مداخلات مبتنی بر پیامد (مانند تقویت مثبت و منفی، تنبیه مثبت و منفی و الگوهای خاموشی) برای تغییر رفتارهای فرزندشان می‌آموزد. برخی از جلسات آموزش مدیریت والدین به‌منظور جهت‌دهی به درمان، آموزش روانی، مدل‌سازی مهارت‌ها و مربیگری برای والدین و حل مشکل با اعضای خانواده، به‌طور مشترک با مراقب و کودک تکمیل می‌شود. پروتکل آموزش مدیریت والدین با تغییر رفتارهای مراقب در پاسخ به رفتارهای فرزندشان و پیش از آن، روشی قدرتمند برای تغییر معاملات نامطلوب مراقب و کودک است. مراقبانی که آموزش مدیریت والدین را تکمیل می‌کنند، شایستگی والدین بیشتری و کاهش استرس مربوط به فرزند پروری را گزارش می‌دهند (کازدین و همکاران، ۲۰۱۸).

با تکیه‌بر آنچه ذکر شد می‌توان گفت که پدیده طلاق با رشد فزاینده‌ای روبروست و بسیاری از کودکان قربانی این اتفاق هستند که بعضاً به دلیل محیط خانوادگی متشنج و مشاهده مشاجرات والدین و عدم درک صحیح از مسئله خود را مسبب جدایی والدین می‌دانند و عدم حضور یکی از والدین برایشان طاقت فرساست، به همین دلیل اغلب دچار اختلالات اضطرابی می‌گردند. مسئله دیگری که گریبان گیر کودکان بخصوص فرزندان طلاق می‌باشد خشونت علیه آنان است که نیز بسیار فراگیرشده است و به دلیل پایین بودن آستانه تحمل والدین و عدم آگاهی از عواقب تنبیهات جسمانی و روانی کودک آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. ازاین‌رو ضروری می‌نماید تا پژوهش‌هایی پیرامون روش‌های مؤثر بر کاهش اضطراب کودکان و جلوگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز والدین نسبت به فرزندان انجام گردد. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش مدیریت والدین (PMT) بر کاهش اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه فرزندان طلاق شهرستان داراب بود.

روش

پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مادران مطلقه که دارای فرزندانی در بازه سنی ۵ الی ۱۰ سال بودند که در مرکز مهر خانواده دادگستری شهرستان داراب در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ عضو بودند. به‌منظور انتخاب نمونه ۵۰ نفر از مادران این کودکان به‌طور هدفمند انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه ۲۵ نفری آزمایش و گواه جایگذاری شدند. مشارکت توسط مادران مطلقه‌ای آغاز شد که به مرکز مهر خانواده دادگستری شهرستان داراب مراجعه کرده بودند. ملاک‌های ورودی: بازه سنی ۵ تا ۱۰ سال برای کودکان، نمره بالاتر از میانگین در مقیاس خشونت خانگی، نمره بالاتر از ۲۴/۵ در مقیاس اضطراب، رضایت آگاهانه و تمایل شرکت در مداخله. ملاک‌های خروجی: عدم تمایل یا عدم همکاری برای ادامه مداخله، عدم انجام تکالیف ارائه‌شده در جلسات و غیبت بیش از دو جلسه در درمان بود. این پژوهش پس از بررسی در کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرند با شناسه اخلاق IR.IAU.KERMAN.REC.1401.017مصوب گردید. جهت رعایت اخلاق پژوهشی پیش از اجرای پژوهش از شرکت‌کنندگان رضایت آگاهانه کتبی گرفته شد و تمام شرکت‌کنندگان با رضایت خود در پژوهش شرکت داشتند و محققان به آن‌ها اطمینان دادند که نتایج تحقیق محرمانه خواهد بود و اگر به هر دلیلی تمایلی به شرکت در گروه نداشتند می‌توانند آزادانه گروه را ترک کنند. گروه‌های آزمایشی جلسات درمانی و آموزشی را به‌صورت هفتگی و هر جلسه به مدت‌زمان ۹۰ دقیقه دریافت کردند. برای

1 . Harper
2 . Kazdin
3 . Parent management training (PMT)

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

توصیف داده‌ها از روش‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و برای آزمون فرضیه‌ها از روش آماری تحلیل کوواریانس چند متغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس خشونت خانگی علیه کودکان (CEDV[1]): در این پژوهش برای ارزیابی خشونت خانگی علیه کودکان از مقیاس مواجهه کودک با خشونت خانگی ادلسون[۲] و همکاران (۲۰۰۸) (CEDV[3]) - نسخه ایرانی شده استفاده شد. این مقیاس دارای ۳۰ سؤال بوده و هدف آن اندازه‌گیری درجه مواجهه با اشکال مختلف خشونت در کودکان از ابعاد مختلف (مواجهه با خشونت پدر علیه مادر، مواجهه با خشونت در محله یا مدرسه، مواجهه با مشاجره والدین، درگیری کودک در خشونت والدین، خشونت بزرگ‌سالان علیه کودک، مواجهه با عوامل خطرزای زندگی، مواجهه با خشونت از طریق استفاده از فناوری‌های تصویری خشونت‌بار) می‌باشد. شیوه نمره‌دهی آن بر اساس طیف لیکرت چهارگزینه‌ای تقریباً همیشه ۳، اغلب ۲، گاهی اوقات ۱ و هرگز ۰ است. برای به دست آوردن امتیاز کلی مقیاس، مجموع امتیازات تک‌تک سؤالات باهم محاسبه می‌گردد. بدیهی است که امتیازات بالاتر نشان‌دهنده مواجهه بیشتر فرد پاسخ‌دهنده با خشونت خانگی خواهد بود و برعکس. گفتنی است این مقیاس نقطهٔ برش ندارد و تعیین درجهٔ مواجههٔ افراد با سطح بندی نمرات برحسب اختلاف از میانگین (با واحد انحراف معیار) امکان پذیر است. ادلسون[۴] (۲۰۰۸) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۸۶ و ضریب پایایی بازآزمایی را ۰/۸۴ گزارش کرد. براس سنجش همسانی درونی خرده مقیاس ها و مقیاس کلی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و مقدار آن را در هفته اول ۰/۵۹ تا ۰/۸۵ و برای مقیاس کلی ۰/۸۶ را گزارش کرد. در هفتهٔ دوم، مقدار آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها از ۵۰ /۰ تا ۰/۷۶ و برای مقیاس کلی ۸۴ /۰ به دست آمد. همچنین، ادلسون (۲۰۰۸) برای سنجش روایی همگرای مقیاس، ضریب همبستگی پیرسون را بین نمرات مقیاس مواجهه با خشونت خانگی و مقیاس «چیزهایی که من دیده ام و شنیدهام (TISH[5]) محاسبه کرد. نتایج نشان داد همبستگی مثبت و معنی داری بین هر دو سطح مواجهه با خشونت خانگی (۰/۴۹) و مواجهه با خشونت در جامعه (۰/۳۹۷) بین دو مقیاس وجود دارد. در پژوهش رحیمی و همکاران (۱۳۹۲) روایی و پایایی این مقیاس مورد بررسی قرارگرفته است. ضریب آلفای به‌دست‌آمده برای کل مقیاس ۰/۸۹ و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۶ این مقیاس از پایایی مناسبی برخوردار است. برای سنجش روایی همزمان مقیاس مواجههٔ کودک با خشونت خانگی، از پرسشنامهٔ مواجهه با خشونت فیزیکی والدین (وامقی و همکاران، ۱۳۸۵) استفاده شد. همبستگی مثبت و معنی‌داری بین خرده مقیاس مواجهه با خشونت پدر علیه مادر و متغیر مواجهه با خشونت جسمی والدین در پرسشنامهٔ وامقی و همکاران (r= ۰/۵۴) و همچنین، همبستگی منفی و معنی‌داری بین متغیر زمان شروع خشونت در هر دو مقیاس وجود دارد (r = ۰/۸۹) که نشان دهندهٔ روایی همگرای مقیاس مطالعه شده است. ضریب کل آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر نیز، ۰/۸۷ به دست آمد.

مقیاس اضطراب کودک اسپنس برای والدین (SCAS-P[6]): این مقیاس توسط اسپنس (۱۹۹۹) برای ارزیابی نشانه‌های اضطراب در کودکان در جمعیت عمومی ساخته شد. گویه‌های این مقیاس تا حد ممکن مطابق مقیاس اضطراب کودک اسپنس (SCAS) فرمول‌بندی شده است ازآنجاکه این مقیاس خود گزارشی است برای تبدیل آن به فرم والدین، گویه‌هایی که به حالات درونی اشاره دارند (مثل گویه ی چهارم، من می‌ترسم) به‌صورت رفتارهای قابل‌مشاهده برای والدین بازنویسی شده است (فرزند من از احساس ترس شکایت می‌کند). این مقیاس شامل ۳۸ گویه می‌باشد و شیوه نمره‌دهی آن بر اساس طیف لیکرت چهارگزینه‌ای بوده که سؤالات در یک مقیاس لیکرت (هرگز ۰، گاهی اوقات ۱، بیشتر اوقات ۲، همیشه ۳) پاسخ داده می‌شوند به‌طوری‌که حداکثر نمره ۱۱۴ و حداقل نمره ۰ است. این مقیاس یک نمره کل که معرف اضطراب به‌صورت کلی است به دست می‌دهد که قابل کاربرد است (ناتا[7]و همکاران، ۲۰۰۳). ناتا و همکاران (۲۰۰۳) پیشنهاد کرده‌اند که استفاده از نمره کلی مقیاس به‌عنوان شاخصی از اضطراب کلی کودک می‌تواند مفید باشد. این مقیاس برای دامنه سنی ۳ تا ۱۷ سال بکار گرفته‌شده است (ناتا و همکاران، ۲۰۰۳). روایی و پایایی این مقیاس توسط ناتا و همکاران

1 . Child Exposure to Domestic Violence (CEDV) Scale
2 . Edleson, Shin & Armendariz
3 . Child Exposure to Domestic Violence (CEDV) Scale
4 . Edleson
5. things i've heard and seen
6 . Spence Children's Anxiety Scale (parent version)
7. Nauta

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

(۲۰۰۳) مورد ارزیابی قرارگرفته است آن‌ها روایی افتراقی[1] مقیاس‌ها را خوب و میزان موافقت بین والد- فرزند در گروه اضطرابی در دامنه‌ای از ۰/۴۱ تا ۰/۶۶ و در گروه کنترل ۰/۲۳ تا ۰/۶۰ گزارش کردند. در ایران قربان شیرودی (۱۳۹۳) پایایی این مقیاس را با روش بازآزمایی با فاصله دو هفته ۰/۷۹ و آلفای کرونباخ برای کل را ۰/۹۱ گزارش کرد. میزان ضریب کل آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر نیز، ۰/۸۲ به دست آمد.

برنامه‌های مختلفی از آموزش مدیریت والدین وجود دارد؛ در پژوهش حاضر از برنامه درمانی آموزش مدیریت والدین بر اساس مدل کازدین (۲۰۰۸) جهت کاهش اضطراب و خشونت خانگی استفاده شد. این برنامه شامل ۶ جلسه ۱/۵ ساعته است که هفته‌ای یک‌بار تشکیل گردید و تقریباً ۱/۵ الی ۲ ماه به طول انجامید.

جدول ۱. پروتکل آموزش مدیریت والدین بر اساس مدل کازدین (۲۰۰۸)

جلسات	شرح جلسات
جلسه اول	شناخت مسیر رشد و پرورش کودکان که خود نیز شامل سه ایستگاه شناخت، مهارت‌های زندگی و سبک‌های فرزند پروری است.
جلسه دوم	آموزش مدیریت والدین (PMT) و شناسایی گام‌های مختلفی که در این مسیر والدین محترم باید بردارند.
جلسه سوم	شامل آموزش نحوه برقراری تعامل مثبت و ارتباط کلامی با فرزندان و همچنین آموزش بایدها و نبایدهای ایجاد یک رابطه مؤثر می‌باشد.
جلسه چهارم	شناسایی ابزارهای تشویقی، آموزش‌هایی مانند تحسین و تحسین مثبت معکوس و همچنین همدلی و انعکاس احساس و محتوای کلام و رفتار کودک.
جلسه پنجم	شامل تعیین اهداف رفتاری و آموزش نحوه تنظیم چارت رفتاری و شناخت و وجه تمایز سه واژه حقوق، هدیه، امتیاز برای کودکان می‌باشد.
جلسه ششم	شناسایی ابزارهای تنبیهی که در ابتدا به شرح کامل عواقب تنبیه جسمی یا روانی پرداخته می‌شود و در ادامه تکنیک‌های تنبیهی ارائه می‌گردد که شامل بازگیری پاداش، نادیده گرفتن و محدودیت زمان مند می‌باشد.

یافته ها

۵۶ درصد شرکت‌کننده‌ها (۲۸ نفر) پسر و ۴۴ درصد (۲۲ نفر) دختر بودند. همچنین ۲۸ درصد شرکت‌کننده‌ها (۱۴ نفر) ۱۰ ساله و ۰/۸ درصد (۴ نفر) ۵ ساله بودند. بیشترین فراوانی مربوط به دامنه سنی مادران در گروه آزمایش مربوط به دامنه سنی ۳۵- ۳۱ ۳۶/۰ درصد (۹ نفر) و در گروه گواه با ۳۲/۰ درصد (۸ نفر) مربوط به دامنه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال بود. مشخصه‌های توصیفی گروه‌های آزمایشی و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ نشان داده‌شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه کودکان در دو گروه آزمایشی و گواه

متغیر		پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
اضطراب کودک	آزمایش	۵۷/۷۲	۳/۰۷	۵۱/۰۰	**۲/۵۴**
	گواه	۵۸/۴۸	۳/۹۶	۵۵/۲۸	**۳/۹۶**
خشونت خانگی	آزمایش	۵۱/۰۴	۴/۸۵	۴۴/۶۴	**۳/۱۲**
	گواه	۵۰/۳۶	۵/۳۷	۴۸/۹۲	**۴/۳۳**

1. discriminant validity

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار اضطراب کودک و خشونت خانگی در گروه‌های آزمایشی و گواه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون بررسی‌شده است و همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین نمرات اضطراب کودک و خشونت خانگی در گروه آزمایشی و گواه در مرحله پیش‌آزمون بسیار نزدیک به یکدیگر است، درصورتی‌که میانگین گروه‌های آزمایشی در متغیر اضطراب کودک در مرحله پس‌آزمون به مقدار قابل‌توجهی کمتر از گروه گواه می‌باشد و در متغیر خشونت خانگی در مرحله پس‌آزمون به مقدار قابل‌توجهی بیشتر از گروه گواه می‌باشد.

برای بررسی مفروضه‌های تحلیل کواریانس و مفروضه‌های توزیع نرمال متغیرها از آزمون کالموگروف-اسمیرنف استفاده شد که سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده برای رشد پس از آسیب به ترتیب برای گروه گواه (۰/۱۲۳) و برای گروه آزمایشی (۰/۲۶۴) بوده است که همگی بزرگ‌تر از (۰/۰۵) بودند؛ بنابراین توزیع نرمال است. به‌منظور بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون ام. باکس و آزمون لوین استفاده شد و نتایج آزمون لوین نشان داد که هر دو متغیر اضطراب کودک (sig= ۰/۳۱۱) و خشونت خانگی (sig= ۰/۰۶۶) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین نتایج آزمون Box's M نیز به‌منظور بررسی فرض برابری ماتریس‌های کوواریانس با مقدار F (۷/۷۳۸) با توجه به مقدار (p= ۰/۰۶۰) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار نیست؛ بنابراین می‌توان گفت ماتریس کوواریانس دو گروه باهم تفاوت ندارند. درنهایت به‌منظور بررسی همگنی شیب رگرسیونی، سطح معنی‌داری مقدار F مربوط به تعامل گروه با پیش‌آزمون برای اضطراب کودک (۰/۴۶۱) و خشونت خانگی (۰/۸۷۱) بود که در سطح (۰/۰۵) معنی‌دار نمی‌باشند؛ بنابراین شیب‌های رگرسیون مربوط به متغیرهای پژوهش همگن بودند، درنتیجه مفروضه همگنی شیب‌های رگرسیون نیز رعایت شده است.

جدول ۳.تجزیه‌وتحلیل کوواریانس چندمتغیری برای مقایسه‌ی میانگین نمره‌های اضطراب کودک و خشونت خانگی

	آمار	مقدار	F	Df فرضیه	Df خطا	معنی‌داری	مجذور اتا	توان آماری
گروه	اثر پیلایی	۰/۶۹۰	۵۰/۰۴۶	۲	۴۵	۰/۰۰۱	۰/۶۹۰	۱/۰۰۰
	لامبدای ویلکز	۰/۳۱۰	۵۰/۰۴۶	۲	۴۵	۰/۰۰۱	۰/۶۹۰	۱/۰۰۰
	اثر هتلینگ	۲/۲۲۴	۵۰/۰۴۶	۲	۴۵	۰/۰۰۱	۰/۶۹۰	۱/۰۰۰
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۲/۲۲۴	۵۰/۰۴۶	۲	۴۵	۰/۰۰۱	۰/۶۹۰	۱/۰۰۰

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته درمجموع معنی‌دار می‌باشد (P <۰/۰۵) و میزان این تفاوت ۰/۶۹۰ درصد است؛ یعنی ۶۹ درصد واریانس‌ها مربوط به تفاوت بین دو گروه می‌باشد. پس دو گروه با توجه به متغیرهای موجود در پژوهش تفاوت دارند. مجذور اتا درواقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است و این مقدار دلیلی بر سهمی از واریانس است که مربوط به متغیر ترکیبی جدید یعنی عامل گروه می‌شود این مقدار که ۰/۶۹۰ است نشان می‌دهد که تقریباً ۶۹ درصد واریانس توزیع متغیرها مربوط به عضویت گروهی است. لامبدای ویلکز نسبت مجموع مجذورات درون‌گروهی به مجموع مجذورات کل است. هرچه مقدار لامبدای ویلکز کمتر باشد، بهتر و قدرت تبیین گری مدل بیشتر است. مقدار آن بین ۰ و ۱ نوسان دارد. مقادیر نزدیک به صفر نشان‌دهنده تفاوت میانگین‌های دو گروه می‌باشد و برعکس، مقادیر نزدیک به ۱ دلالت بر برابری این میانگین‌ها دارد. چنانچه مقدار این آماره برابر با ۱ باشد، نشان می‌دهد که میانگین‌های دو گروه تقریباً برابر است و تفاوتی باهم ندارند. نتایج جدول نشان می‌دهد که مقدار لامبدای ویلکز برابر با ۰/۴۱۹ و توان آماری نیز ۱۰۰ درصد می‌باشد؛ که با توجه به سطح معنی‌داری می‌توان گفت که تفاوت میانگین گروه‌ها معنی‌داراست.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

جدول ۴: نتایج آزمون اثرات بین گروهی در تحلیل کوواریانس

منبع تغییرات	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	شاخص F	معنی‌داری	مجذور اتا
پیش‌آزمون	اضطراب کودک	۰/۰۸۴	۱	۰/۰۸۴	۰/۰۱۴	۰/۹۰۷	۰/۰۰۱
	خشونت خانگی	۲/۶۳	۱	۲/۶۳	۰/۲۶	۰/۶۱۰	۰/۰۰۶
گروه	اضطراب کودک	۲۱۰/۲۶۹	۱	۲۱۰/۲۶۹	۲۱/۰۳۳	۰/۰۰۱	۰/۳۱۴
	خشونت خانگی	۳۱۹/۸۰۲	۱	۳۱۹/۸۰۲	۸۵/۰۸۲	۰/۰۰۱	۰/۶۴۹
خطا	اضطراب کودک	۴۵۹/۸۶۳	۴۶	۹/۹۹۷			
	خشونت خانگی	۱۷۲/۹۰۳	۴۶	۳/۷۵۹			

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌های تحقیق در سطح ($P\leq$ ۰/۰۰۱) معنی‌دار می‌باشد، مقایسه‌ی میانگین گروه آزمایشی و گواه در نمرات پس‌آزمون در جداول توصیفی نشان می‌دهد که این معنی‌داری به نفع گروه آزمایشی بوده است، بدین معنی که با کنترل نمرات پیش‌آزمون، استنباط می‌شود که مداخله موجب کاهش اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه کودکان در پس‌آزمون گروه آزمایشی شده است. همچنین در این جدول مجذور اتای جزئی گزارش‌شده است که بیان می‌کند چه اندازه از واریانس در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. مجذور اتای اضطراب کودک ۰/۳۱۴ است یعنی ضریب تبیین واریانس ۳۱/۴ درصد می‌باشد. همچنین مجذور اتای خشونت خانگی ۰/۶۴۹ است یعنی ضریب واریانس تبیین ۶۴/۹ درصد است؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش مدیریت والدین در کاهش اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه کودکان تاثیر مثبت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش مدیریت والدین بر کاهش اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه کودکان بود.

نتایج پژوهش نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون اضطراب کودک در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه کاهش پیدا کرده است. این یافته با یافته‌های لیوید (۲۰۱۸)، اوپیولا و براتون[1] (۲۰۱۸) و ساندز و همکاران (۲۰۱۷) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدین اغلب به دنبال راه‌هایی برای درک بهتر پریشانی فرزندانشان، رفع نیازهای آن‌ها و حمایت از پیشرفت آن‌ها هستند. برنامه مدیریت آموزش والدین یک برنامه آموزش قابل‌قبول و عملی برای افزایش دانش در مورد اضطراب برای والدین کودکانی است که با اضطراب دست‌وپنجه نرم می‌کنند. آموزش مدیریت والدین به دلیل ارتباط والدین، آسیب روان‌شناختی و رفتاری را در بین فرزندان و والدین کاهش می‌دهد. این ارتباط باعث بهبود در رفتار کودکان و مهارت‌های رفتاری والدین خواهد شد. درواقع، دانش والدین در مورد نحوه مدیریت کودکان مبتلابه اضطراب به‌طور قابل‌توجهی باعث کاهش اضطراب در آن‌ها شد. برنامه های آموزش والدین عمدتاً بر درمان رفتار ناسازگارانه کودکان متمرکز است. در این برنامه، والدین هستند که برنامه های خواب یا برنامه معکوس کردن عادت را اجرا می کنند و رفتار خود و محیط را تغییر می دهند تا فرزندشان مهارت های جدید را بهتر یاد بگیرد و رفتار منفی خودش را راحت‌تر کم کند. همچنین برنامه های آموزش والدین بر تعلیم فنون مدیریت رفتار متمرکزند، از جمله اظهارنظرهای انعکاسی می تواند رشد زبانی و عزت نفس کودک را تقویت کند و همچنین یاد گرفتن راه و رسم استفاده از مدیریت وابستگی ها توسط والدین نیز عزت نفس کودک را مثبت می کند و مهارت های جدید به او می آموزد. در تبیین این که چرا مداخله بر کاهش اختلال اضطرابی اثر گذار بوده است، می توان گفت که تعامل هایی که معمولا همراه با خصومت متقابل، بدبینی و مهار بیش ازحد خشونت هستند در بسیاری از آسیب های دوران کودکی نقش دارند. همچنین کودکی که از نظر والدین غیرقابل کنترل باشد می تواند موجب ایجاد احساس ناکفایتی و ناکارآمدی در والدین شود و در مواردی حتی افسردگی و استرس را در آنان تشدیدکند، به بیانی دیگر کودک و خانواده می توانند یک چرخه معیوب را ایجادکنند که بدترشدن شرایط

1 . Opiola & Bratton

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

هرکدام اوضاع دیگری را وخیم‌تر می‌کند. با توجه به عدم رشد شناختی کافی در کودکان، آموزش مدیریت والدین در واقع با قطع ارتباط معیوب اعضای این چرخه می تواند به بهبود شرایط کمک شایانی کند.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میانگین نمرات پس‌آزمون خشونت خانگی در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه کاهش پیدا کرده است. این یافته با یافته‌های اترینگتون و بیکر (۲۰۱۸) و کالاگان[1] و همکاران (۲۰۱۸) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت قربانیان خشونت خانگی که از کودکان خردسال مراقبت می‌کنند، اغلب با چالش‌های والدینی روبرو هستند و در مقایسه با مادران غیر قربانی مشکلات بیشتری در تربیت فرزند دارند. آموزش مدیریت والدین بر این فرض استوار است که می‌توان به والدین تکنیک‌هایی را برای تعامل با فرزندشان آموزش داد که ساختار و قابلیت پیش‌بینی‌پذیری را بهبود می‌بخشد و عزت‌نفس کودک را افزایش می‌دهد. این به والدین اجازه می‌دهد تا محدودیت‌ها و انتظارات خود را تعیین کنند و درعین‌حال نیاز به دستورات و ارزیابی انتقادی از رفتار فرزندشان را کاهش دهند. بنابراین، کاهش کودک‌آزاری احتمالاً در برنامه‌های آموزش والدینی از طریق کاهش رفتارهای بیرونی و پرخاشگرانه و همچنین توانمندسازی والدین و سایر مراقبان با روش‌های غیر خشونت‌آمیز اصلاح رفتار روی داده است. با آموزش روش‌های مقابله با خشونت می‌توان به کمک کرد تا خشونت خود را کنترل کنند و از بروز رفتارهای خشونت‌آمیز جلوگیری و یا آن را کاهش دهند. انجام روش‌هایی نظیر اجتناب از مقابله به مثل، صحبت و گفتگوی پس از آرامش، استفاده از جملات مثبت، درخواست کمک و راهنمایی از بزرگان خانواده، و مراجعه به مراکز مشاوره روش‌های مقابله‌ای موثر و کارآمد است. همچنین آموزش مدیریت والدین باعث می‌گردد که توانمندی‌های روانی اجتماعی آن‌ها افزایش یابد و قادر شوند بر افکار و احساسات خود تسلط داشته باشند. آموزش مهارت کنترل خشم، یادگیری آگاهانه راه‌کارهای پیش‌گیرانه، و یادگیری راه‌کارهای مقابله با خشونت کمک می‌کنند تا در نهایت خشونت خانگی کاهش یابد. بنابراین حمایت و آموزش مدیریت والدین می تواند منجر به برخورداری از عدالت در خانه گردد و داشتن یک خانواده خوب و برخورداری از چتر حمایتی والدین همه به کودک کمک می کنند تا او بتواند خوب رشد کند، به بالندگی مناسبی دست یابد، قادر شود در بزرگسالی تبدیل به فردی مفید و سالم گردد، و توانایی این را داشته باشد که بتواند هنجارهای مطلوب اجتماعی جامعه‌اش را پذیرا باشد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت آموزش مدیریت والدین که بر تقویت روابط متمرکز است، در کاهش مشکلات رفتاری و علائم آسیب‌زا در کودکانی که با خشونت خانگی زندگی می‌کنند، مؤثر به نظر می‌رسد. اکنون شواهد تحقیقاتی گسترده نشان می‌دهد که کودک‌آزاری و خشونت خانگی علیه کودکان با نرخ بالاتری از هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی مرتبط است. مقرون‌به‌صرفه بودن سرمایه‌گذاری روی کودکان کوچک‌تر اکنون به‌طور گسترده پذیرفته‌شده است. اجرای برنامه‌های آموزشی والدین برای کمک به کاهش هزینه‌های اجتماعی بالا می‌تواند مفید باشد.

پژوهش حاضر باوجود نتایج امیدوارکننده دارای محدودیت‌هایی هست که در پژوهش حاضر مهم‌ترین محدودیت مربوط به روش نمونه‌گیری هدفمند است. همچنین، با توجه به تأثیر معنادار آموزش مدیریت والدین بر کاهش اضطراب کودک و خشونت خانگی علیه کودکان طلاق، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی از سایر روش‌های نمونه‌گیری استفاده شود و همچنین، دوره پیگیری پس از اجرای آموزش مدیریت والدین نیز انجام گیرد تا ماندگاری آن نیز مشخص‌تر گردد. همچنین به‌منظور کمک به کودکان طلاق در حل مشکلات رفتاری و عاطفی جلسات مشاوره گروهی به‌صورت دوره‌ای در مراکز بهزیستی، هلال‌احمر، کمیته امداد...برای والدین کودکان طلاق برگزار گردد.

منابع

رحیمی، ح؛ رحیمی، ح؛ وامقی، م و سجادی، ح.(۱۳۹۲). رواسازی مقیاس مواجه کودک با خشونت خانگی. *رفاه اجتماعی*،۱۳ (۵۱)،۱۶۷-۱۸۷.
http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1375-fa.html

قربان شیرودی، ش.(۱۳۹۳). هنجاریابی مقیاس چندبعدی اضطراب کوکدان در بین دانش آموزان شهر تنکابن. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*،۵ (۲) ،۴۰-۵۱.
https://journals.iau.ir/article_561262.html

Callaghan, J. E. M., Alexander, J. H., Sixsmith, J., & Chiara Fellin, L. (2018). Beyond 679 "Witnessing": Children's Experiences of Coercive Control in Domestic Violence and 680 Abuse. *Journal of Interpersonal Violence*, 33:10, 1551-1581. 681 http://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/0886260515618946

1 . Callaghan

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

Etherington, N., and Baker, L. (2018). From 'Buzzword' to best practice: applying intersectionality to children exposed to intimate partner violence. *Trauma Violence Abuse* 19, 58–75. doi: 10.1177/1524838016631128

Edleson, J. L. and et al. (2008). Measuring children's exposure to domestic violence: The development and testing of the Child Exposure to Domestic Violence (CEDV) Scale, *Children and Youth Services Review*, 30(5): 502-521. DOI:10.1016/j.childyouth.2007.11.006

Gager, C. T., Yabiku, S. T., & Linver, M. R. (2016). Conflict or divorce? Does parental conflict and/or divorce increase the likelihood of adult children's cohabiting and marital dissolution? *Marriage & Family Review*, 52(3), 243–261. https://doi.org/10.1080/01494929.2015.1095267

Harper, B., Ogbonnaya, I. N., and McCullough, K. C. (2018). The effect of intimate partner violence on the psychosocial development of toddlers. J. Interpers. Violence 33, 2512–2536. doi: 10.1177/0886260516628286

Home Office (2018). *Domestic violence and abuse: new definition*. Published 26 March 2013, last updated 31 May 2018. https://www.gov.uk/guidance/domestic-violence-and-abuse#domestic-abuse-and-young-people

Katz, E. (2016). Beyond the Physical Incident Model: How Children Living with Domestic Violence are Harmed By and Resist Regimes of Coercive Control. *Child Abuse Review*, 25, 46-59. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/epdf/10.1002/car.2422

Kazdin A.E. (2017). Parent management training and problem-solving skills training for child and adolescent conduct problems. In: Weisz J.R., Kazdin A.E., editors. Evidence-based psychotherapies for children and adolescents. 3rd. G*uilford Press; New York*: 2017. pp. 142–158.

Kazdin AE, Glick A, Pope J, Kaptchuk TJ, Lecza B, Carrubba E, McWhinney E, Hamilton N. (2018). Parent management training for conduct problems in children: Enhancing treatment to improve therapeutic change. *Int J Clin Health Psychol*. 2018 May-Aug;18(2):91-101. doi: 10.1016/j.ijchp.2017.12.002.

Lloyd, M. (2018). Domestic Violence and Education: Examining the Impact of Domestic Violence on Young Children, Children, and Young People and the Potential Role of Schools. *Frontiers in Psychology*, 9. doi:10.3389/fpsyg.2018.02094

Opiola, K. K., & Bratton, S. C. (2018). The efficacy of child-parent relationship therapy for adoptive families: A replication study. *Journal of Counseling & Development, 96*(2), 155–166. https://doi.org/10.1002/jcad.12189

Sands, A., Thompson, E.J., Gaysina, D., 2017. Long-term in*fl*uences of parental divorce on o*ff*spring a*ff*ective disorders: a systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*. 218, 105–114. https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.04.015.

Shimkowski, J.R., Ledbetter, A.M.(2018). Parental divorce disclosures, young adults'emotion regulation strategies, and feeling caught. *Journal of. Family Communication*. 18, 185–201.https://doi.org/10.1080/15267431.2018.1457033.

Statistika.(2018). *Themenseite: Scheidung* [WWW Document]. de.statista.com. URLhttps://de.statista.com/themen/134/scheidung/(Accessed 6 August 2018).

Tebeka, S., Hoertel, N., Dubertret, C., Le Strat, Y., 2016. Parental divorce or death during childhood and adolescence and its association with mental health. *Journal of Nervous Mental Disorders*. 204, 678. https://doi.org/10.1097/NMD.0000000000000549.

Weaver, J. M., & Schofield, T. J. (2015). Mediation and moderation of divorce effects on children's behaviour problems. *Journal of family psychology*, 29(1), 39. doi: 10.1037/fam0000043

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.16.2]